

واکاوی استعاره مفهومی در قرآن (جرهای ۱۵ تا ۲۱) و هفت‌پیکر نظامی از مفهوم

زبان‌شناختی متن و تصویر

چکیده

یکی از گرایش‌های جدید در دانش مطالعات زبان که ابزارهای تازه‌ای برای تحلیل متون به‌وجود آورده، علم زبان‌شناسی است. از طرفی شاعر با استفاده از استعاره می‌تواند به معانی شعر خود، جلوه‌ای خاص ببخشد که بر اثر آن، زیبایی ادبی بیشتری را در شعرش به‌وجود آورد. استعاره مفهومی نیز یکی از شاخه‌های استعاره است که فقط به لفظ و زبان محدود نشده بلکه ابزاری است که بدان وسیله شاعر می‌تواند پیچیده‌ترین احساسات و انتزاعی‌ترین تصویرها را در شعر خود نشان دهد؛ زیرا تمام اجزای کلام در این بخش از استعاره، قابل بررسی است. پژوهش پیش‌رو به روش مطالعه کتابخانه‌ای انجام شده و جامعه آماری موردنظر در آن، جزءهای ۱۶ تا ۲۱ قرآن کریم است که نویسندگان با استفاده از دانش استعاره مفهومی که در علم زبان‌شناسی مطرح شده، به بررسی این بخش پرداخته‌اند. همچنین کاربرد استعاره در هفت‌پیکر نظامی بررسی شده است. در این پژوهش به بررسی بخش‌های سه‌گانه استعاره مفهومی در قرآن کریم که عبارت‌اند از: استعاره هستی‌شناختی، جهت‌گیرانه و ساختاری، پرداخته شده و شواهدی را که از این نظر در کتاب مورد بررسی وجود دارد، استخراج شده است. بسیاری از تعبیر به‌کاررفته در قرآن کریم همانند: دیدن، شنیدن، تکلم و... درواقع استعاره مفهومی است و باید با این لفظ معرفی شود؛ چنانکه مفسران بزرگی چون امام خمینی(ره) و علامه طباطبایی نیز برای بیان این امر، عبارت «وضع الفاظ برای روح معنا» را ارائه کرده‌اند اما تعریف چنین شواهدی با عنوان «استعاره مفهومی» راه‌کاری بهتر و دربرگیرنده تعریف پیشین نیز است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی استعاره مفهومی چه کاربردی در قرآن کریم.
۲. واکاوی زبان‌شناختی متن و تصویر در هفت‌پیکر نظامی.

سؤالات پژوهش:

۱. استعاره مفهومی چه کاربردی در قرآن کریم دارد؟
۲. زبان‌شناختی متن و تصویر در هفت‌پیکر نظامی چگونه است؟

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی، استعاره مفهومی، قرآن کریم.

مقدمه

مهم‌ترین و خلاقانه‌ترین ابزار تصویرپردازی ادبی در علم بیان، استعاره است. استعاره در حقیقت، به قول اروپاییان، تشبیه فشرده است؛ یعنی تشبیه را آنقدر خلاصه و فشرده می‌کنیم تا از آن فقط مشبّه‌به باقی بماند. منتهی در تشبیه ادعای شباهت است و در استعاره ادعای یکسانی و این همانی وجود دارد. مالارمه شاعر معروف سمبولیست فرانسوی می‌گوید: من «مثل» را از فرهنگ زبان پاک کرده‌ام و مراد او این است که به‌جای تشبیه به استعاره گراییده‌ام (شمیسا، ۱۳۸۱: ۵۷ و ۵۸). سعدالدین تفتازانی نیز استعاره را مبالغه در تشبیه دانسته و چنین ابراز نظر کرده است که اگر این مبالغه در نوع استعاره وجود نداشته باشد، نمی‌توان بدان، قول «استعاره» را اطلاق کرد (تفتازانی، ۱۳۹۱: ۲۴۵). بلاغیون قدیم به‌تبع ارسطو، عموماً استعاره را تشبیهی گفته‌اند بدون ادات شبه و مشبه. در آراء منتقدان متأخر، جنبه‌های زیبایی‌شناسانه نیز بر این تعریف اضافه شده است. به موجب تعریف‌های این منتقدان هر استعاره ابتدا در ذهن شاعر به‌صورت تشبیه پدید می‌آید، سپس شاعر با حذف ادات شبه و تلخیص آن، استعاره می‌سازد.

آی. آ. ریچاردز، منتقد معاصر غربی در کتاب فلسفه بلاغت ساختمان استعاره و تشبیه را به دو بخش تفکیک می‌کند و به‌جای دو جزء مشبه و مشبه‌به از واژه‌های «هدف» و «بُردار» استفاده می‌کند. بنابه استدلال ریچاردز، اندیشه و موضوع اصلی، هدف (مشبه) و تصویر یا مستعار، بُردار است. از دیدگاه زبان‌شناسی، غالب کلماتی که امروزه استفاده می‌شوند، در بدو پیدایش نوعی استعاره بوده‌اند؛ مثل کلمه «کنجکاو». پس آنچه امروزه استعاره نامیده می‌شود (اسماعیلی، ۱۳۹۸: ۸)، در واقع، مجازی است که بر مجاز فراموش‌شده دیگر بنا شده است؛ به‌طوری‌که اگر الگوی اصلی پیدا شود، استعاره مرده‌ای است که به سبب استفاده مکرر، رسانایی و برجستگی خود را از دست داده است. برای نمونه در زبان فارسی می‌توان کلمه «رعنا» را ذکر کرد. این کلمه از ریشه «رعونت» به معنی حمق و طول کلام و نوعی از خودستایی رکیک است. پس گل دو روی را که رویی سرخ و رویی زرد دارد، در فارسی گل «رعنا» نامیدند (داد، ۱۳۷۱: ۲۴).

استعاره نوعی هنرنمایی است که شاعر می‌تواند به معانی عمق ببخشد و نیروهای الهام‌بخش خود را تقویت کند تا شعرش نهایت درخشش و زیبایی را بیابد. این عنصر ادبی از گذشته تاکنون شاهد تغییر و تحولاتی بوده است که در مکتب زبان‌شناسان شناختی، استعاره یک فرایند ذهنی زبانی به‌شمار آمده است. در واقع، استعاره در این رویکرد همان استعاره مفهومی است. به‌گونه‌ای که پیچیده‌ترین و مبهم‌ترین معانی به‌واسطه این نوع استعاره قابل بیان است. هدف استعاره مفهومی، نمایان ساختن زوایای پنهان و به دور از ذهن از دید مخاطب است. بنابراین ما در این پژوهش برآنیم تا به بررسی استعاره مفهومی در جزء‌های ۱۶ تا ۲۱ قرآن کریم و هفت پیکر ابراهیم‌میرزا بپردازیم. از جمله پژوهش‌هایی که در رابطه با موضوع مورد پژوهش انجام گرفته است، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: هوشنگی و سیفی پَرگو (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای با عنوان «استعاره‌های مفهومی در قرآن از منظر زبان‌شناسی شناختی» پس از مرور ادبیات نظریه معاصر استعاره و مؤلفه‌های تحلیل استعاره در این نظریه، برخی حوزه‌های مفهومی مبدأ

در قرآن را که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: بدن، حیوانات، گیاهان، ابزارها و ماشین‌ها، تجارت و کسب و کار، بررسی کرده و در نهایت به تبیین نظامی از ساختارهای مفهومی قرآن پرداخته و اهم تلاش خود را صرف بررسی این دیدگاه در بخش گیاهان کرده است. حجازی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای تحت عنوان «استعاره مفهومی آیه نور در قرآن» به بررسی آیه ۳۵ سوره نور به‌عنوان یک کلان استعاره مفهومی نگریسته و بدین نتیجه رسیده است که در استعاره‌های مفهومی قرآن به‌ویژه استعاره‌های مربوط به حوزه توحید و خداشناسی سازوکارهای به ظاهر زبانی و در قالب واژه‌ها در جهت ترغیب و برانگیختن تفکر و اندیشه مخاطب هستند، از این‌رو، وجه اندیشگی، غالب بر وجه زبانی است. کلانتری (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی استعاره‌های مفهومی خشم در قرآن کریم: نظریه‌های عصب-زیستی و کنش مفهومی» با ماهیتی کیفی و به روش توصیفی-تحلیلی در پی شناخت بخش‌های فعال قشر مخ در هنگام درک مفاهیم نیرو و حرکت در قالب استعاره با مفهوم خشم پرداخته است. داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که مفهوم‌سازی خشم در قرآن گذرا و بافت - محور است.

حسینی و قائمی‌نیا (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «استعاره مفهومی رحمت الهی در قرآن کریم» به بررسی استعاره مفهومی رحمت الهی در قرآن کریم پرداخته است و بدین نتیجه رسیده که در شواهدی از آیات قرآن، رحمت خداوند همچون اموال گرانبها در گنجینه‌هایی ذخیره شده که خداوند در مواقع لزوم و شایستگی بنده، برای بهره‌مندی در آن را می‌گشاید. قائمی‌نیا (۱۳۹۶)، در کتاب «استعاره‌های مفهومی و فضاهای قرآن» تحلیل جدیدی از زبان استعاری قرآن و ارتباط آن با جهان‌بینی اسلامی را پیش کشیده که بنابه آن، استعاره‌های مفهومی قرآن بخش اجتناب‌ناپذیر تفکر اسلامی هستند. به دیدگاه وی، مهم‌ترین دستاورد تحلیل شناختی استعاره‌های قرآنی را باید این نکته دانست که این استعاره‌ها را نباید صرفاً استعاره‌های زبانی و ابزارهایی برای تزئین زبان این کتاب آسمانی دانست. حجازی (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان «فرآیند انسجام میان استعاره‌های مفهومی قرآن کریم» ابتدا ارتباط عبارات استعاری قرآن بر مبنای نظریه استعاره مفهومی، مورد بررسی قرار داده است. شعبان‌پور و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «اسماء و صفات الهی در قرآن کریم در پرتو استعاره مفهومی» پس از تبیین استعاره در دیدگاه ادبی و دیدگاه زبان‌شناختی به بررسی نظر علامه طباطبایی، مفسر بزرگ معاصر امامیه در خصوص تنزیه خداوند از صفات انسان‌گونه پرداخته و آن را با دیدگاه معاصر استعاره مفهومی مقایسه کرده و نشان داده که چگونه می‌توان در پرتو این دیدگاه قائل به شناخت نسبی نسبت به پروردگار بود. صباحی گراغانی و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با موضوع «بررسی استعاره مفهومی در سوره بقره (رویکرد زبانشناسی‌شناختی)» به این نتیجه رسیده است که استعاره در سراسر گفتمان قرآن در سوره بقره حضور دارد و ابزاری است که به کمک آن مفاهیم انتزاعی چون زندگی، زمان، فهمیدن، انفاق و... مفهوم‌سازی می‌شوند و معمولاً قلمروهای مبدأ از حوزه‌های ملموس و مرتبط با زندگی بشر انتخاب شده‌اند. ذوالفقاری و عباسی (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان «استعاره مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری در اشعار ابن‌خفاجه» بیان می‌دارد، استعاره‌های وی ابزار توانمندی برای بیان معانی پیچیده، مبهم و دور از ذهن است که با استفاده از تجربه شعری و زبانی شاعر به بهترین شکل به بار نشست‌اند.

روشی که در این پژوهش اتخاذ شده، مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی و متشکل از یافته‌هایی است که در حوزه استعاره مفهومی و شاخه‌های آن در قرآن کریم قابل ردیابی باشد. مثلاً اگر در قرآن کریم آمده است: «محبتی از خودم بر روی تو انداختم» این نوع از کلام برطبق نقدی که با به‌کارگیری استعاره ساختاری قابل بررسی است، باید مورد تحلیل قرار گیرد. همچنین آیاتی که از دارابودن «دست» برای خداوند سخن گفته‌اند و سال‌های متمادی مسائل و مباحث عدیده‌ای را در علم تفسیر قرآن کریم به‌وجود آورده و فرقه‌هایی را از قبیل: مجسمه- که برای خداوند قائل به «دست» همانند انسان شده و صفاتی انسانی بدو داده‌اند- و یا آیه «الرَّحْمَانُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» که گویای صفت «جلوس» برای خداوند است و به تفکرات چنین فرقه‌هایی استحکام می‌بخشد، در این پژوهش مورد واکاوی از دیدگاه دانش زبان‌شناسی - بخش استعاره‌های مفهومی و زیرشاخه‌های آن- قرار خواهد گرفت و این نکته در ضمن پژوهش بیان خواهد شد که این‌گونه سخنان در کدام حوزه از دانش استعاره‌های مفهومی- باتوجه به تعاریفی که برای انواع مختلف زیرشاخه‌های استعاره ارائه شده- قابل اثبات است.

نتیجه‌گیری

در قرآن کریم انواع مختلفی از زیرشاخه‌های استعاره مفهومی را شاهد هستیم. حقیقت استعاره بودن آیات و سخنانی که از جانب خداوند به بندگان و پیامبرانش گفته می‌شود، با استفاده از نقد این آیات- با به‌کارگیری بخش استعاره مفهومی از دانش استعاره شناسی- قابل اثبات است. با استفاده هر یک از حوزه‌های دانش استعاره می‌توان به تحلیل جزء به جزء این آیات پرداخته و مفهوم «آیات متشابه داشتن قرآن کریم» را از این منظر منتفی دانست. مثلاً آنگاه که سخن از انداختن چیز یا جسمی بر روی جسم دیگر مطرح می‌شود، از دیدگاه استعاره ساختاری می‌توان به تحلیل اینگونه آیات پرداخت. در مبحث تعبیری از قبیل «در دست خدا بودن ملکوت آسمان‌ها» اگر در این مورد به تعریف لیکاف و جانسون در این مبحث دقت شود، خواهیم دانست که خصوصیتی انسانی را برای خداوند قائل شده و از این منظر در واقع سخن گفته شده خداوند در قرآن کریم، استعاره هستی‌شناختی است. از دیدگاه استعاره جہتی نیز می‌توان در این کتاب، قائل بدین سخن شد که: تمامی آیاتی که دارای مضامین «بالا، پایین، چپ و راست» هستند (واژه‌های «عَلَى، تَحْتَ، يَمِينٌ وَ يَسَارٌ» در آن‌ها به‌کار رفته، دارای استعاره جہتی هستند و از این منظر مشکل فهم اینگونه آیات برای عوام مردم قابل حل و برای مفسران قرآن کریم قابل درک خواهد بود. پس با این تفصیل می‌توان گفت: در بین آیات قرآن کریم، هر سه نوع استعاره مفهومی موجود بوده و با واکاوی آن‌ها مشکلاتی که در مبحث «متشابه بودن آیات» مطرح شده، به کلی حذف خواهد شد. با در نظر گرفتن داشتن روش‌ها و قواعد معهود در اسلوب عرب و تکیه بر ظهورات کلام حتی در معارف فراطبیعی، مستلزم آن است که اسناد اوصاف و افعال گوناگون به خدا، در آیات مختلف استعاره تلقی شود تا استعمال مورد مزبور مصححی داشته باشد، مثلاً تعبیری چون شنیدن، دیدن، تکلم، خیردادن یا عناوین و اوصاف گوناگونی مانند نور، استواری عرش الهی بر آب و کرسی از این قبیلند که به حسب ظاهر، بار مادی و طبیعی دارند و با مبانی مسلم دینی مانند تجرد و نزاهت حریم

الهی سازگار نیستند. در آن موارد از یک سو قواعد ظاهری و عرفی ادبی، حقیقی بودن حمل و اسناد را پذیرا نیستند و از سوی دیگر، مجاز شمردن آن را نیز (که حقایقی مسلم و دور از تسامح و تجوزند) نمی توان پذیرفت. از این رو می بینیم که مفسران بزرگی مانند علامه طباطبایی و امام خمینی با مطرح کردن مسئله «وضع الفاظ برای روح معنا» به دنبال راهکاری برای تبیین معرفتی این آیات بوده اند و با تحلیل دقیق و ارتکاز واقعی و نهایی عرف، استعاری (ادبی) و مجازی شمردن استعمال های مزبور را انکار کرده اند.

سخن علامه طباطبایی در این زمینه: «انس و عادت باعث می شود که ذهن آدمی در هنگام شنیدن یک کلمه یا یک جمله، به معنای مادی آن سبقت جوید؛ مثلاً وقتی لفظ حیات، قدرت، سمع و بصر، لوح، عرش، کلام و امثال آن را می شنویم، فوراً معنای مادی این ها به ذهن ما درمی آید. نشان دهنده این مطلب است که: مصادیق مالوف راهگشای فهم معانی و مفاهیم بلندی است که بدون در نظر گرفتن این مصادیق ذهن و عقل بشر راهی برای درک آن ها ندارد. لیکاف و جانسون با توجه به این شیوه تفکر بشر چارچوبی مفهومی برای درک استعاری ذهن ارائه کرده اند و نشان می دهند چگونه استعاره های مفهومی جهتی، هستی شناختی و ساختاری مفاهیم نا آشنا و ناملموس را برای ذهن شنونده دست یافتنی می سازند. مرحوم علامه طباطبایی نیز معتقد بود اسلام معارف عالی را در قالب ساده ای ریخته تا برای فهم های ساده و عقول عوام قابل هضم باشد؛ بدین ترتیب فهم و عقل عادی مردم از پشت پرده و به صورت فشرده و در بسته این حقایق را لمس می کند و بدان می رسد و این چیزی است که به صلاح حال عموم است.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

الأشقر، عمر سلیمان. (۱۹۸۵م). أصل الاعتقاد الصنعاء، المكتبة السلفية: الطبعة الثالثة.

امینی، حیدرعلی و همکاران. (۱۳۹۴). «بررسی استعاره های مفهومی ساختاری در سوره نبأ در قرآن کریم». دومین کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم.

جمال الدین، حسن بن یوسف. (۱۳۷۱). کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد الحلی، قم: نشر دارالکتب.

داد، سیما. (۱۳۷۱). فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: نشر مروارید.

رازی، فخرالدین محمد بن عمر. (۱۹۸۱م). التفسیر الکبیر المشتهر ب «مفاتیح الغیب»، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

زمخشری، محمود بن عمر. (۲۰۰۱م). الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، تحقیق و تعلیق: عبدالرزاق المهدی، بیروت: دارالکتب العلمیه.

براتی، محمدرضا. (۱۳۸۷). هفته محوری و کارکرد متفاوت آن در هفت پیکر». نامه انجمن. شماره ۳۰، ۳۰-۲۱.

جلوداریان، امید و اسماعیلی، عصمت. (۱۳۹۹). «بررسی درستی یا نادرستی کاربرد فنون بلاغی و استعاره های مفهومی در اخبار». ماهنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی بهار ادب، شماره ۴، شماره ۵۰، ۲۵-۱.

حبیبی، فاطمه و همکاران. (۱۳۹۶). «مفهوم‌سازی واژه «لسان» در قرآن در پرتو نظریه استعاره شناختی». مجله علمی-پژوهشی قرآن شناخت، شماره ۲، ۹۰-۷۳.

حجازی، بهجت السادات. (۱۳۹۵). «استعاره مفهومی آیه نور در قرآن». فنون ادبی، شماره ۳، ۱۰۲-۸۵.

حجازی، سیده شیرین و همکاران. (۱۳۹۹). «فرآیند انسجام میان استعاره‌های مفهومی قرآن کریم». مجله علمی-پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۱، ۳۰۹-۲۸۹.

حسینی، سید ابوالقاسم. (۱۴۰۰). «ساختار و نتایج استعاره مفهومی بهشت در قرآن کریم». مجله علمی-پژوهشی آموزه‌های قرآنی، شماره ۳۳، ۱۱۲-۸۹، ۵۲-۲۷.

حسینی، سیده مطهره و علیرضا قائمی‌نیا. (۱۳۹۶). «استعاره مفهومی رحمت الهی در قرآن کریم». مجله علمی-پژوهشی ذهن بهار، شماره ۶۹، ۵۲-۲۷.

ذوالفقاری، اختر و نسرین عباسی. (۱۳۹۴). «استعاره مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری در اشعار ابن خفاجه». نشریه پژوهش‌های ادبی و بلاغی، دوره ۳، شماره ۳، ۱۲۰-۱۰۵.

سعدالدین، مسعودبن‌عمر. (۱۳۹۱). مختصرالمعانی تفتازانی. چاپ دهم، قم: نشر دارالفکر.

شعبان‌پور، محمد و همکاران. (۱۳۹۷). «اسماء و صفات الهی در قرآن کریم در پرتو استعاره مفهومی». مجله علمی-پژوهشی پژوهشنامه قرآن و حدیث، دوره ۱۲، شماره ۲۳، ۱۶۸-۱۴۷.

شمیسا، سیروس. (۱۳۸۱). بیان و معانی. چاپ هفتم، تهران: نشر فردوس.

صباحی گراغانی، حمید و همکاران. (۱۳۹۵). «بررسی استعاره مفهومی در سوره بقره (رویکرد زبان‌شناسی شناختی)». مجله علمی-پژوهشی ادب و زبان، دوره ۱۹، شماره ۳۹، ۱۰۷-۸۵.

طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۶۶). ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، تفسیر المیزان، قم: نشر دفتر انتشارات اسلامی.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۵ق). رساله الاسماء مندرج در ارسائل التوحیدیه. قم: انتشارات جامعه مدرسین.

فتوحی، محمود. (۱۳۹۵). سبک‌شناسی: نظریه‌ها رویکردها و روش‌ها. تهران: انتشارات سخن.

قائمی‌نیا، علیرضا. (۱۳۹۶). استعاره‌های مفهومی و فضاهای قرآن. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

کلانتری خاندانی، عزت‌الله و همکاران. (۱۳۹۸). «بررسی استعاره‌های مفهومی خشم در قرآن کریم براساس دو نظریه عصب - زیستی و کنش مفهومی». فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه الزهرا (س)، شماره ۳۸، ۶۴-۳۵.

کوحش، زلتن. (۱۳۹۳). ترجمه: شیرین پورابراهیم، مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره، تهران: انتشارات سمت.

لیکاف، جورج. (۱۳۸۴). به کوشش: فرهاد ساسانی، استعاره و جنگ. تهران: انتشارات سوره مهر.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۵). تفسیر نمونه. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

مهریار، فرزانه؛ نیازی، شهرزاد و رشیدی، مرتضی. (۱۴۰۱). «شرح کانون و نوع روایت نگاره‌های نسخ مصور هفت پیکر نظامی در رابطه با متن آن». مطالعات زبان و ادبیات غنایی، شماره ۴۴، ۲۰-۱.

مهریار، فرزانه؛ نیازی، شهرزاد و رشیدی، مرتضی. (۱۴۰۰). «تحلیل چگونگی بازتاب مفاهیم رمزگونه داستان گنبد سیاه هفت پیکر در نگاره نسخه مصور خمسه نظامی مدرسه عالی شهید مطهری». فنون ادبی، شماره ۳، ۲۲-۳۵.

هوشنگی، حسین و محمود سیفی پرگو. (۱۳۸۸). «استعاره‌های مفهومی در قرآن از منظر زبانشناسی شناختی». پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۳، ۹-۳۴.

یگانه، فاطمه و افراشی، آریتا. (۱۳۹۵). «استعاره‌های جهتی در قرآن با رویکرد شناختی». جستارهای زبانی، دوره ۷، شماره ۵، ۱۹۳-۲۱۶.